

## پاکی یا نجاست غسله

حمیدرضا دهقانی فیروزآبادی\*

### چکیده

در این مقاله بعد از بررسی لغوی و اصطلاحی غسله به بیان اقوال موجود در کتاب الروضة البهیه در مورد نجاست یا طهارت آب غسله که از شستشوی محل نجاست به وسیله آب قلیل به دست آمده پرداخته‌ایم که شامل ۴ قول حالت قبل از غسل، حالت بعد از غسل، حالت قبل از غسله، حالت بعد از غسله می‌باشد سپس با ذکر قائلان این نظرات، ادله موجود در هر قول و نکات و اشکالات آن را بیان کرده‌ایم که بنا بر آنچه در کتب ذکر شده بود نظرات را به سه دسته کلی تجاست مطلق (با اختلاف در مورد دفعات شستشو)، طهارت مطلق و حالت بعد از غسله تقسیم کردیم البته به این نتیجه نیز پی بردیم که تمام بحث در مورد آب قلیل بوده و همچنین در مورد عدم پاک‌کننده بودن غسله نیز هیچ اختلافی وجود ندارد

کلید واژگان: غسله، نجاست، طهارت، آب قلیل، متنجس

---

\*. طلبه پایه چهارم مدرسه علمیه شهیدین علیهم‌السلام، تابستان ۹۹.



## مقدمه

طهارت و نجاست غسل و تعداد دفعات شستشو غسله با آب قلیل در صورت پذیرش نجاست آن، یکی از موضوعات پرکاربرد مورد ابتلا در زندگی روزمره است و اختلافات زیادی بین علماء در همین مورد، وجود دارد که در شرح لمعه، شهید ثانی این اختلافات را به صورت مختصر و بدون بیان ادله فقها، بیان فرموده‌اند که جمعاً ۴ مورد ذکر شده است. با بررسی کامل اقوال و ادله موجود در هر قول، تلاش می‌کنیم آشنایی بهتر و تفصیلی‌تری با نظرات فقها و اختلافات موجود همراه با دلیل هر کدام به دست آورده و دلیل تمایل شهید ثانی به نظر شهید اول را در این موضوع بفهمیم و همچنین به بیان نظرات دیگر در صورت ذکر آن در کتاب‌هایشان، بپردازیم. ان شاء الله امیدواریم این مقاله بتواند مفید واقع شود و شما را در آشنایی بیشتر با مبحث غسله کمک کند

## تعریف

### تعریف لغوی

مقایس لغه، معنای ریشه غ س ل را تطهیر چیزی، ذکر کرده است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۲۴).

کتبی مانند جمهره اللغة، المحکم در مورد تعریف غسله گفته‌اند: غسله هر چیزی آبی است که به وسیله آن آب، آن چیز شسته می‌شود (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۸۴۵) (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۴۳۲).

قاموس المحيط در ادامه تعریف بالا، جمله (آنچه از آن آب خارج می‌شود) را نیز ذکر کرده «و غَسَالَةُ الشَّيْءِ، كَثَامَةٌ: مَاؤُهُ الَّذِي يُغَسَّلُ بِهِ، وَ مَا يُخْرَجُ مِنْهُ بِالغَسَلِ» (محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۳)، ظاهراً این معنا، مدنظر فقها است

و در آخر با ذکر تعریفی از صحاح این بخش را به پایان می‌رسانیم: آنچه، به وسیله آن چیزی را می‌شوئی را غسله گویند (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۷۸۲).

### تعریف اصطلاحی

تعریفی که برای غسله در اصطلاح فقهی ذکر شده، به این صورت است: آبی که از محل شسته شده، به خودی خود یا با چلانیدن جدا می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵) (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۰).



البته بحث ما در مورد پاکی و نجاست، مربوط به غسله آب قلیل است که ان شاء الله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### اقوال موجود در مورد پاکی یا نجاست غسله آب قلیل

شرح لمعه ۴ قول و نظر را در مورد پاکی یا نجاست غسله ذکر می‌کند:

۱. مثل حالت قبل از خروج غسله: به این صورت که حکم مقدار مورد نیاز برای شستشوی متنجس به غسله (آنچه با غسله برخورد کرده است) بستگی به حالت قبل از غسله در محلی که غسله از آن خارج شده است دارد مثلاً در جاهایی که آن محل، دو مرتبه باید شسته شود اگر غسله از شستن اول است نجس است و آنچه غسله به آن برخورد می‌کند نیز باید دو مرتبه شسته شود اما اگر از شستن دوم بود، متنجس از غسله باید یک مرتبه شسته شود که شهید اول این نظر را تایید کرده است.

۲. مثل حالت قبل از غسل مطلقاً: یعنی در تمام دفعات غسله خارج شده نجس است و شینی که به آن اصابت می‌کند به همان مقدار دفعه نیاز به شستن دارد مثلاً در مورد اشیاءی که دو مرتبه شستشو نیاز دارند، چیزی که به غسله آن (غسله اول یا دوم) برخورد می‌کند نیز نیاز به دو بار شستن دارد

۳. مثل حالت بعد از غسل مطلقاً: یعنی غسله، در هر صورت و هر مرحله‌ای که باشد پاک است.

۴. حالت بعد از غسله: یعنی برای تشخیص تعداد مورد نیاز برای شستشوی متنجس به غسله باید به حالت بعد از هر غسله نگاه کرد یعنی در مواردی که دو بار باید شستشو شوند متنجس به غسله اولی نیاز به یک بار شستشو و متنجس به غسله دوم پاک است چون شیء‌ای که غسله از آن خارج شده بعد از غسله اول یک بار دیگر نیاز به شستشو دارد و بعد از غسله دوم پاک است.

البته در آخر ذکر این موضوع لازم است که این اقوال شامل غسله آب استنجا نمی‌شود چون غسله آن تا زمانی که ویژگی‌های آن با نجاست تغییری نکرده و با نجاست خارجی برخورد نکرده و از محل نجاست خارج نشده مطلقاً پاک است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۰ و ۳۱۱).



این‌ها اقوال ذکر شده در کتاب الروضه البهیه است که دلیلی برای آن‌ها بیان نشده که ان شاء الله به بیان دلایل موجود در کتب فقهی و قائلان به آن‌ها می‌پردازیم.

## ادله موجود در هر قول

### نجاست مطلقا

این قول در واقع در مورد اصل نجاست غسله است که قائلان به این بخش در مورد میزان شستشوی متنجس به آن اختلافاتی دارند پس دو مورد اول ذکر شده در کتاب الروضه البهیه داخل در قول نجاست مطلق می‌شوند با این تفاوت که در مورد تعداد دفعات شستشوی متنجس در غسله اول و دوم نظرات مختلفی دارند.

در کتاب مستند الشیعه نیز در فرعی به این امر به صورت گذرا پرداخته شده به این صورت که بنا بر قول به نجاست در مورد تعداد شستشوی آنچه با آن ملاقات پیدا کرده است اقوالی است که یک قول، یک بار شستشورا به دلیل اصل و اطلاق غسل در روایت عیص<sup>۱</sup> کافی می‌داند. بعضی به دلیل وجوب دو بار غسل به وسیله آب قلیل در همه نجاسات، اینجا را هم مانند بقیه دانسته و دو بار شستشورا مطلقا لازم می‌دانند، قول دیگری، آن را مانند محل قبل از غسله دانسته و دلیل آن را هم همراهی و ملازمت نجاست با آنچه با آن ملاقات کرده تا زمانی که طهارت بدست بیاید و تخفیف نجاست آب غسله نسبت به نجاست محل ذکر می‌کنند در آخر ایشان قول بهتر را قول اول بیان می‌کنند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۴ و ۹۵). الزبده نیز این قول را تایید کرده (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۴) در حالی که شهید اول و ثانی قائل به قول سوم (حالت قبل از غسله) شده‌اند شهید اول در الدرروس نیز مانند کتاب لمعه قائل به همین نظر شده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۲).

در مورد قائلان به نجاست مطلق و دلایل آن، در شرحی که الزبده بر کتاب الروضه البهیه زده ذکر شده که محقق و علامه در بعضی از کتبشان قائل به این نظر شده‌اند و همچنین این نظر به متاخرین نیز نسبت داده شده است، همانطور که در جامع المقاصد محقق کرکی این نظر را به

۱. «سألته عن رجل أصابه قطرة من طشت فيه وضوء فقال: إن كان من بول أو قدر فيغسل ما أصابه، وإن كان من وضوء الصلاة فلا بأس» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵).



اشهر متأخرین نسبت داده است (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۲۸) و دلیل آن هم این بیان شده که آب قلیل با نجس ملاقات کرده پس قطعا نجس شده است. این نظر فرقی بین آب حاصل از شستن ظرف یا غیر آن قائل نشده است روایتی هم که به آن استناد می‌کنند به شرح زیر است:

«و لما رواه المحقق في المعتمد عن العيص بن القاسم: «سألته عن رجل أصابه قطرة من

طشت فيه وضوء فقال: إن كان من بول أو قدر فيغسل ما أصابه، وإن كان من وضوء

الصلاة فلا بأس» (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۳) (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵)

بنا بر نظر الزبده، قول صحیح نجاست مطلق است هر چند بعد از آن طهارت المحل حاصل شود به دلیل خبر عیص متقدم و قاعده انفعال آب قلیل در هنگام ملاقات با نجاست که از همین روایت مأخوذ شده است.

صاحب شرائع نیز قائل به همین نظر بوده و غسله آب قلیل را در هر شرایطی نجس می‌داند (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۰) که در شرح مدارک گفته شده که صاحب شرائع با این قول نظر سید مرتضی که قائل به طهارت آب غسله در صورت عدم متلون شدن به نجاست است و نظر شیخ طوسی که قائل به طهارت غسله دوم در غیر ولوغ است را رد کرده که نظر آن‌ها سر جای خود توضیح داده خواهد شد (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۷۷).

المبسوط ابتدا دلیل نجاست را به همین صورت ذکر کرده که آبی که نجاست به وسیله آن پاک شده نجس است چون آب قلیلی است که به نجس برخورد کرده البته بعد از آن نظر عده‌ای را که قائل هستند در صورتی که هیچ یک از اوصاف نجس در آب غلبه پیدا نکرده باشد پاک است نقل کرده است به دلالت این که آنچه در لباس باقی مانده جزئی از آن آب غسله است و چون آن باقی مانده در لباس پاک است پس آب غسله هم که از آن منفصل شده همین حکم را دارد. المبسوط در آخر با عبارت این نظر اقوی است آن را تأیید کرده ولی در مقابل، نظر اول یعنی همان نجاست مطلق را به احتیاط نزدیک‌تر می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۳).

در کتاب منتهی المطلب علامه ابتدا تقسیمی را انجام داده‌اند به این صورت که آب غسله یا اوصافش به دلیل ملاقات با نجاست تغییر کرده است یا نه اگر تغییر کرده که اجماعاً نجس است اما اگر تغییر نکرده یا قبل از طهارت محل از آن جدا شده یا بعد از آن. در صورتی که قبل از طهارت محل منفصل شده باشد نیز اجماعاً نجس است چون آب قلیل و یسیر با نجاستی که



آن را پاک نکرده ملاقات کرده پس مانند آنجا که اوصافش تغییر کرده است نجس است. اگر بعد از طهارت محل باشد در مورد نجاست یا پاکی آن اختلاف است که شیخ طوسی دو قول در این مورد دارد قول او در مبسوط ذکر شد قول دیگری در الخلاف دارند که قائل به نجاست غسله اولی و طهارت غسله دومی هستند که بعداً تفصیلاً ذکر می‌شود. در آخر، علامه نظر خود را همان نجاست مطلقاً می‌دانند و می‌فرمایند الاقوی عندی التنجیس و دلیل خود را همان روایت عیص بن قاسم و قاعده مذکور (آنکه ماء قلیل لاتی نجاسة فینجس بها کما لو وردت علیه) ذکر می‌کنند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۴۱).

پس در نهایت به این نتیجه رسیدیم که دلیل قائلان به نظر اول روایت عیص بن قاسم و قاعده مذکور است.

### طهارت مطلقاً

در کتاب مستند الشیعه این قول به شیخ طوسی در المبسوط (همانطور که در مورد پیش اشاره شد و شیخ آن را اقوی در مقابل احوط بودن نجاست می‌دانستند) و ابن حمزه، بصروی و محقق ثانی در بعضی از فوائدها و عده‌ای دیگر نسبت داده شده که در شرح قواعد (جامع المقاصد) آن را نظر اشهر متقدمین دانسته است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۹).

در المبسوط بنا بر نظری که شیخ اقامه کرد که چون آب غسله جزئی از آب باقی مانده که طاهر شده است پس غسله نیز پاک است این سوال مطرح می‌شود که منظور شیخ طهارت مطلق است یا طهارت غسله دوم چون در صورتی آب باقی مانده پاک است که محل طاهر شده باشد که این حالت، در غسل دوم اتفاق می‌افتد.

همانطور که گفته شد در جامع المقاصد، این نظر اشهر بین متقدمین معرفی شده و احتجاج سید بنا بر آنچه از او نقل شده است این است که اگر حکم به نجاست آب قلیلی که بر شیء نجسی وارد شده بکنیم نتیجه این می‌شود که نجس فقط با آب کر پاک می‌شود که تالی به دلیل مشقت زیاد باطل است (عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۰۳).

در مسالک و مدارک این قول به سید مرتضی نسبت داده شده که ایشان می‌فرمایند در صورت عدم تغییر به اوصاف، آب غسله مطلقاً پاک است که این حرف با دلایل گروه اول



(نجاست مطلقاً) که نجس شدن را متعلق تغییر نمی دانستند مغایر است.

ایشان در کتاب المسائل الناصریات می فرمایند که اگر ما حکم به نجاست آب قلیل وارد بر نجاست بکنیم باعث می شود که لباس، جز با آب کر پاک نشود و این مشقت را در بردارد پس نتیجه این می شود که در مورد آب وارد بر نجاست، قلیل بودن یا کر بودن معتبر نیست (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۳).

در کتاب مستند الشیعه، مرحوم نراقی دلیل های قائلین به طهارت مطلق را به صورت زیر بیان می فرمایند:

۱. اصل طهارت آب.
۲. روایاتی که دلالت بر طهارت آب می کند.
۳. صحیح محمد در مورد شستن نجاست در ظرف:  
 «مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الثُّوبِ يُصِيبُهُ الْبَوْلُ - قَالَ اغْسَلْهُ فِي الْمُرْكَنِ مَرَّتَيْنِ - فَإِنْ غَسَلْتَهُ فِي مَاءٍ جَارٍ فَمَرَّةً وَاحِدَةً» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۷).

۴. عدم دلالت اخبار نجاست آب قلیل بر آب غسله
۵. از راه تعلیلی که در روایت، علت برای عدم وجود مشکل و عدم نجاست لباسی که در آب استنجاء بیافتد (ان الماء اکثر من القدر):

«وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْعِزَّارِ عَنِ الْأَحْوَلِ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثِ الرَّجُلِ يَسْتَنْجِي فَيَقَعُ ثَوْبُهُ فِي الْمَاءِ - الَّذِي اسْتَنْجَى بِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ - فَسَكَتَ فَقَالَ أَوْ تَدْرِي لِمَ صَارَ لَا بَأْسَ بِهِ - قَالَ قُلْتُ: لَا وَ اللَّهِ - فَقَالَ إِنَّ الْمَاءَ أَكْثَرُ مِنَ الْقَدْرِ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲۲).

۶. اخباری که دلالت بر امر به پاشیدن آب بر آنجایی که ظن به نجاست آن داری به گونه ای که اگر آن نجاست آب را نجس می کرد این امر به آب ریختن، باعث بیشتر شدن مشکل می شد.  
 «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنِ الثُّوبِ يُصِيبُهُ الْبَوْلُ - فَيَنْفُذُ إِلَى الْجَانِبِ الْأَخْر - وَ



عَنِ الْفَرَوِ وَ مَا فِيهِ مِنَ الْحُشْوِ - قَالَ اغْسِلْ مَا أَصَابَ مِنْهُ وَ مَسَّ الْجَانِبَ الْآخَرَ - فَإِنْ أَصَبَتْ مَسَّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاعْسِلْهُ وَإِلَّا فَانْضِجْهُ بِالْمَاءِ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۰).

بعد از ذکر دلایل قائلان به طهارت مطلق به بررسی دلایل و نفی آن می‌پردازند. جواب ادله را به شرح زیر بیان می‌کنند:

۲. بنا بر آنچه قبلاً گفته شده و طبق روایات وارده در مورد نجاست آب قلیل
۳. این روایت فقط دلالت بر پاک بودن محل می‌کند نه طهارت آب
۴. هرچند این اخبار در مورد نجاست آب وارد بر نجاست صحیح است و صحیح این است که دلالت بر نجاست مطلق نمی‌کند نه این که دلالت بر نجاست غیر غسله می‌کند اگر گفته شود که غسله به دلیل عسر و حرجی که نجس بودن آن در پی دارد از بقیه مستثنا است در جواب گفته می‌شود لزوم عسر و حرج صحیح نیست و به دلیل همین هم جماعتی قائل به نجاست آن شدند و به آن عمل کردند و به عسر و حرج نیافتادند (جواب نقضی).
۵. جمله ان الماء اکثر من القدر دلالت بر این می‌کند که هر آبی بیشتر از نجاست باشد به وسیله آن نجس نمی‌شود. در مقابل ادله انفعال آب قلیل اخص از این دلیل است و آن را تخصیص می‌زند
۶. آبی که پاشیده می‌شود مزیل نجاست نیست بلکه محل هم، محل ظن نجاست است پس این امری تعبدی است «بأنّ ما ينضح أو يرش ليس مزیلاً للنجاسة، بل المحلّ مطّتها، فهو أمر تعبد به» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۳).

### حالت بعد از غسله

در منتهی المطلب بیانی از شافعی ذکر شده که چون این غسله جزئی از آب موجود در لباس است و آن آب طاهر است پس آب جدا شده هم همین حکم را دارد و به این دلیل که آب حکم نجاست را برطرف کرده ولی خودش تغییری نکرده پس مثل منفصل از زمین، طاهر است. علامه به رد آن می‌پردازند که جواب اول را به این صورت می‌دهند که در حال انفصال، دیگر آب، به عنوان جزء، حساب نمی‌شود پس قیاس آن به متصل به دلیل وجود فرق و وجود مشقت در صورت نجس دانستن آب متصل برخلاف آب منفصل (غسله) باطل است و جواب دوم را





منع در اصل و خلاف اصل می‌دانند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۴۲).

دلیلی که در الزبده برای این مورد ذکر شده است این است که در غسل اول، غسله به دلیل ملاقات با نجاست نجس است اما در غسل دوم به دلیل قاعده طهارت و عدم وجود دلیل بر نجاست پاک است همچنین اگر مطلقاً قائل به نجاست بشویم محل بعد از غسله به دلیل ملاقات آب غسله با محل، قبل از انفصال، پاک نمی‌شود که این فرض باطل است

دلیلی که شیخ برای نظر خود بیان می‌کنند این است که غسله اول، آب قلیلی است که، ملاقات با نجاست پیدا کرده است پس حکم نجس پیدا می‌کند که روایت عیص نیز همین موضوع را تأیید می‌کند و دلیل بر پاکی غسله دوم این است که اصل در آب، طهارت است و نجس بودن آن نیاز به دلیل دارد و بعد از آن روایاتی را در این باب ذکر می‌کنند:

۱. «و روی عمر بن أذينة. عن الأحول قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أخرج من الخلاء،

فأستنجي بالماء، فيقع ثوبي في ذلك الماء الذي استنجيت به، فقال لا بأس به

۲. و روی الفضیل بن یسار عن أبي عبد الله عليه السلام قال في الرجل الجنب يغتسل بالماء

فيتنضح الماء في إنائه: فقال: لا بأس ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾

۳. و روی عبد الکریم بن عتبه الهاشمی قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل

يقع ثوبه على الماء الذي استنجى به، أينجس ذلك ثوبه؟ فقال: لا» (طوسی، ۱۴۰۷ق،

ج ۱، ص ۱۸۰ و ۱۸۱).

البته دو تا از این روایات در مورد غسله آب استنجاء است که قبلاً آن را استثناء کردیم و

ایشان به آن استدلال کردند و روایت دیگر نیز در مورد آب غسل جنابت است

و نکته دیگری که باید مدنظر گرفت این که شیخ این نظر را در مورد لباس ذکر کرده‌اند

درحالی که ایشان در مورد غسله ظروف، نظر دیگری دارند که مطلقاً آن را پاک می‌دانند و در

مورد آب غسله ظرف ولوغ می‌فرمایند که اگر ما قائل به نجاست هر کدام از آب‌های غسله

باشیم ظرف طاهر نخواهد شد:

«إن ماء غسل الإناء من الولوغ لا ينجس أحد من الثلاث منه: "و لو حکمنا بنجاسته لما

طهر الإناء أبداً لأنه كلما غسل فما يبقى من الندوة يكون نجسا فاذا طرح في آخر نجس

أيضا وذلك يؤدي إلى أن لا يطهر أبداً"» (طوسی، ۱۴۰۷ق، مسئله ۱۳۷).



در کتاب النجعه اشکالاتی به استدلال شیخ در الخلاف مطرح شده:

۱. در مورد روایت عیص که شیخ، دلیلی که برای نجاست غسله اول آورده‌اند می‌فرماید که در روایت عیص اسمی از غسله اولی یا ثانیه ذکر نشده و به صورت مطلق بیان شده.
۲. آب استنجاء همانطور که گفتیم غیر از آب غسله لباس است و نمی‌توان به آن استدلال کرد
۳. همچنین آب غسله جنابت نیز طاهر است و نمی‌توان از راه آن به طهارت غسله‌های دیگر رسید.

۴. تعلیل ایشان به طهارت غسله‌های ولوغ نیز تعلیل صحیحی نیست.

همچنین مولف النجعه در مورد خبر عیص می‌فرماید که این خبر در کتب اربعه نیست و وسایل نیز فقط صدر آن را از معتبر و ذکری نقل کرده است و ذیل آن یعنی «وان كان وضوء الصلاة فلا يضره» نقل نکرده است.

ایشان می‌فرمایند اختلاف در نجاست یا طهارت غسله ثوب، آنجایی است که لباس در ظرفی شسته نشود اگر لباس در ظرفی شسته شده باشد، آب غسله موجود در آن ظرف بدون اختلاف نجس است (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۶).

نکته دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد که تمام اختلاف‌ها در مورد نجاست یا طهارت غسله است و در مورد مطهر (پاک‌کننده) نبودن آن هیچ اختلافی وجود ندارد همانطور که روایات زیر دلالت بر آن می‌کند:

«۱. روی التّهذیب (فی ۱۳ من میاهه ۱۰ من أبواب أوله) عن عبد الله بن سنان، عن الصادق عليه السلام: «قال: لا بأس أن يتوضأ بالماء المستعمل، و قال: الماء الذي يغسل به الثوب، أو يغتسل به الرجل من الجنابة لا يجوز أن يتوضأ منه وأشباهه، و أما الماء الذي يتوضأ الرجل به فيغسل به وجهه و يده في شيء نظيف فلا بأس أن يأخذه غيره و يتوضأ به».

و الظاهر أن قوله في صدره «قال: لا بأس أن يتوضأ بالماء المستعمل و قال: محرف «سئل هل يتوضأ بالماء المستعمل؟ فقال» بشهادة السياق و ألا لكان مع ذيله «الماء الذي يغسل به الثوب - الى و أشباهه -» متناقضا (شوشتری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۷).

۲. و روایت عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: (لا بأس بأن يتوضأ بالماء المستعمل - فقال الماء الذي يغسل به الثوب - أو يغتسل به الرجل من الجنابة - لا يجوز أن



يُتَوَضَّأُ مِنْهُ وَ أَشْبَاهِهِ - وَ أَمَّا [الْمَاءُ] الَّذِي يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ بِهِ - فَيَغْسِلُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَدَهُ فِي شَيْءٍ نَظِيفٍ - فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْخُذَهُ عَيْرُهُ وَ يَتَوَضَّأُ بِهِ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۳).

## نتیجه گیری

بعد از ذکر ۴ قول موجود در الروضه البهیه در مورد نجاست یا طهارت غسله، به طور کلی اقوال را به ۳ دسته نجاست مطلق، طهارت مطلق و حالت بعد از غسله تقسیم کرده‌ایم که دو قول حالت قبل از غسله و حالت قبل از غسل که در الروضه ذکر شده بود را ذیل نجاست مطلق برده به این صورت که هر دو گروه قائل به نجاست غسله در همه دفعات هستند با این تفاوت که گروه اول بنا به دلایل ذکر شده (ملازمت نجاست با ملاقات‌کننده با آن و تخفیف نجاست آب غسله) تعداد دفعات شستشوی متنجس به نجاست را در غسله اول، دو مرتبه و در غسله دوم، یک مرتبه می‌دانند و گروه دیگر به دلیل دو بار شستشوی عموم نجاست به وسیله آب قلیل، میزان شستشو در متنجس به آب غسله را نیز دو مرتبه می‌شمارند البته گروه دیگری هم هستند که یک بار شستشو را مطلقاً کافی می‌دانند که دلایل آن ذکر شد. با بررسی ادله قائلان به هر کدام از سه دسته و اشکالات موجود در مورد دلایل ذکر شده، بیان شد که اشهر متأخرین و بعضی از متقدمین و افرادی مثل شهید اول و ثانی با استدلال به روایت عیص و قانده انفعال آب قلیل، قائل به نجاست مطلق‌اند البته با اختلافی که بین قائلان آن‌ها در میزان شستشو وجود دارد. بعد از ذکر گروه اول ادله گروه‌های دیگر نیز بیان شد که با مراجعه به کتب فقهی به رد آن‌ها پرداختیم و در نهایت متذکر شدیم که بحث ما و اختلاف موجود در طهارت یا نجاست غسله آب قلیل بوده و در مورد پاک‌کننده بودن یا نبودن آن اختلافی نیست و بنا بر گفته کتب مورد مراجعه، همه قائل به عدم مطهر بودن آنند. ان شاء الله توانسته باشیم به خوبی مطالب را بیان کرده و شما را در آشنایی با این موضوع یاری کرده باشیم.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة* (چاپ اول). ۳ جلد. بیروت. دار العلم للملایین.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الأعظم* (چاپ اول). ۱۱ جلد. بیروت. دار الکتب العلمیة.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة* (چاپ اول). ۶ جلد. قم. مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة* (چاپ اول). ۶ جلد. بیروت. دار العلم للملایین.
۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب* (۱۴۱۲ق). ۱۵ جلد. مشهد. مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد.
۶. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷ق). *المسائل الناصریات* (چاپ اول). تهران. رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامیة.
۷. شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ق). *النجعة فی شرح اللمعة* (چاپ اول). ۱۱ جلد. تهران. کتابفروشی صدوق.
۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. ۶ جلد. قم. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. ۸ جلد. تهران. المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۰. عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة* (چاپ اول). ۳۰ جلد. قم. مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. عاملی، سید محمد حسین ترحینی (۱۴۲۷ق). *الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة* (چاپ چهارم). ۹ جلد. قم. دار الفقه للطباعة و النشر.



١٢. عاملی، شهيد اول، محمد بن مکى (١٤١٧ق). *الدروس الشرعية في فقه الإمامية* (چاپ دوم). ٣ جلد. قم. دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٣. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن على (١٤١٠ق). *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر)* (چاپ اول). ١٠ جلد. قم. كتابفروشى داورى.
١٤. ر (١٤١٣ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام* (چاپ اول). ١٥ جلد. قم. مؤسسة المعارف الإسلامية.
١٥. عاملی، كركى، محقق ثانی، على بن حسين (١٤١٤ق). *جامع المقاصد في شرح القواعد* (چاپ دوم). ١٣ جلد. قم. مؤسسه آل البيت عليه السلام.
١٦. عاملی، محمد بن على موسى (١٤١١ق). *مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام* (چاپ اول). ٨ جلد. بيروت. مؤسسه آل البيت عليه السلام.
١٧. عاملی، ياسين عيسى (١٤١٣ق). *الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية* (چاپ اول). يك جلد. بيروت. دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزيع.
١٨. فيروز آبادى، محمد بن يعقوب (١٤١٥ق). *القاموس المحيط* (چاپ اول). ٤ جلد. بيروت. دار الكتب العلمية.
١٩. نراقى، مولى احمد بن محمد مهدى (١٤١٥ق). *مستند الشيعة في أحكام الشريعة* (چاپ اول). ١٩ جلد. قم. مؤسسه آل البيت عليه السلام.